

جنگ اوکراین نتیجه گسترش ناتو به شرق اروپا

امریکا چنین نوشت: «ورود اوکراین به ناتو، درخشان‌ترین خط قرمز نخبگان روسیه (نه تنها پوتین) است. در دو سال ونیم گفت‌وگو با بازیگران اصلی روسیه، از طرفداران کرملین تا تندترین منتقدان پوتین، هنوز کسی را پیدا نکرده‌ام که حضور اوکراین در ناتو را چیزی جز چالشی مستقیم برای منافع روسیه نداند.»

■ واکنش به ناامنی روسیه

بسته به اینکه علت بحران فعلی را امپریالیسم روسیه یا گسترش ناتو بدانیم، پیامدهای متفاوتی برای این امر وجود دارد. اگر فکر کنید جنگ در اوکراین کار امپریالیستی مصمم است، هر اقدامی کمتر از شکست روسیه شبیه مماشات با مونیخ در سال ۱۹۳۸ است و جو بایدن به نوبل چمبرلین نخست وزیر انگلیس تبدیل می‌شود که به خواسته‌های هیتلر نسبت به اراضی چکسلواکی تن در داد، در حالی که فریب خورده بود و نازی‌ها مصرانه قصد داشتند جنگ را آغاز کنند؛ اما اگر معتقد باشید روسیه نگرانی‌های مشروعی در مورد گسترش ناتو دارد، در این صورت فضا برای بحث، مذاکره، مصالحه و تبادل امتیاز فراهم خواهد بود.

با دهه‌ها مطالعه در مورد تاریخ و سیاست روسیه، معتقدم پوتین در سیاست خارجی همچون فردی واقع‌گرا عمل می‌کند که به طور غیرعاطفی و غیراخلاقی، پویایی قدرت میان دولت‌ها را بررسی می‌کند. او به دنبال متحدان احتمالی است که منافع روسیه را مدنظر قرار دهند - اخیراً او چین را چنین متحدی می‌بیند - و زمانی که روسیه را در معرض تهدید می‌بیند، مایل است به نیروی نظامی متوسل شود.

اما او گاهی بر اساس تمایلات ایدئولوژیک خود عمل کرده که شامل تاریخ ساختگی او از روسیه است. او گاهی اوقات همچون اشغال کریمه در سال ۲۰۱۴ و تصمیم فاجعه‌بار برای حمله به اوکراین، رفتاری تکان‌دهنده انجام می‌دهد. الحاق کریمه پس از انقلاب میدان دموکراسی اوکراین در سال ۲۰۱۴، هم ضرورت راهبردی برای حفظ پایگاه دریایی در سیاه در سواستوپول و هم توجیهی ملی‌گرایانه را ترکیب کرد تا مهند خیالی مسیحیت روسی و فتح تاریخی تزارها را به «سرزمین مادری» برگرداند. پوتین که معمولاً عقل‌گرا است، اکنون به نظر می‌رسد صبر خود را از دست داده و تحت تأثیر احساسات خود قرار دارد.

بسیاری از روس‌ها با پوتین موافق هستند و احساس رنج و حقارت می‌کنند و نسبت به آینده نگران هستند، اما بر اساس نظرسنجی‌ها و اظهارات تحلیلگران سیاسی، آنها جنگ نمی‌خواهند.

پوتین قبلاً تهدید کرده بود که پیوستن فنلاند و سوئد به ناتو، «عواقب نظامی و سیاسی خواهد داشت». جورج اف. کینان پدر دکتترین مهار جنگ سرد نیز در سال ۱۹۹۸ نسبت به گسترش ناتو هشدار داده بود. پیشرفت ناتو به سمت شرق، امنیت کشورهای اروپایی را افزایش داده یا آنها را آسیب‌پذیرتر ساخته است؟

شدن با هر دولتی که مایل هستند، به مرور درخواست دموکراسی‌های اروپایی را برای پیوستن به این اتحاد پذیرفت. اعضای سابق پیمان ورشو که توسط شوروی تأسیس شده بود و نسخه شوروی برای ناتو محسوب می‌شد، در دهه ۹۰ میلادی و سه جمهوری شوروی سابق - استونی، لتونی و لیتوانی - در سال ۲۰۰۴ به ناتو پیوستند. دیدگاه غربی‌ها این است که کرملین باید درک کند و بپذیرد که فعالیت‌های این ائتلاف، از جمله بازی‌های جنگی مملو از تانک‌های جنگی امریکایی نزدیک کشورهای بالتیک و موشک‌های مستقر در لهستان و رومانی - که امریکا می‌گوید با هدف ایران مستقر شده‌اند - به هیچ‌وجه تهدیدی برای امنیت روسیه محسوب نمی‌شوند.

■ هشدارهای فراوان در مورد واکنش روسیه

هم نخبگان روسیه و هم افکار عمومی این کشور در سطحی وسیع مدت‌ها است که با این گسترش و همچنین استقرار موشک‌های امریکایی در لهستان و رومانی و مسلح کردن اوکراین با تسلیحات غربی، مخالف بوده‌اند.

زمانی که دولت بیل کلینتون برای ورود لهستان، مجارستان و جمهوری چک به ناتو اقدام کرد، برنز نوشت این تصمیم «در بهترین حالت اقدامی زود هنگام و در بدترین حالت اقدامی غیرضروری و تحریک‌آمیز بود». او ادامه داد، «در حالی که روس‌ها از این وضعیت شکایت داشتند، طرفانی از نظریه‌های «خنجر از پشت» به آرامی مسلط شد و اثری بر روابط روسیه با غرب گذاشت که برای دهه‌ها باقی خواهد ماند.» در ژوئن ۱۹۹۷، ۵۰ کارشناس برجسته سیاست خارجی نامه‌ای سرگشاده به کلینتون نوشتند و اظهار داشتند، «معتقدیم تلاش کنونی ایالات متحده برای گسترش ناتو... اشتباهی سیاسی با ابعاد تاریخی است که ثبات اروپا را متزلزل خواهد کرد.»

برنز سفیر وقت امریکا در مسکو در سال ۲۰۰۸ به کاندولیزا رایس وزیر خارجه

دیدگاه غربی‌ها این است که کرملین باید

درک کند و بپذیرد که فعالیت‌های این

ائتلاف، از جمله بازی‌های جنگی مملو از

تانک‌های جنگی امریکایی نزدیک کشورهای

بالتیک و موشک‌های مستقر در لهستان و

رومانی - که امریکا می‌گوید با هدف ایران

مستقر شده‌اند - به هیچ‌وجه تهدیدی برای

امنیت روسیه محسوب نمی‌شوند

■ Ronald Suny

استاد تاریخ دانشگاه میشیگان



THE CONVERSATION

در حالی که جنگ در سراسر اوکراین بیدار می‌کند، میان دو روایت که زیربنای درگیری هستند، شکاف عمیقی وجود دارد و هیچ‌یک به نفع دیگری کنار نمی‌روند. دیدگاه رایج و آشنا تر در غرب بویژه در ایالات متحده، این است که روسیه همواره دولتی توسعه‌طلب بوده و ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور کنونی آن تجسم جاه‌طلبی ذاتی روسیه می‌باشد؛ برای ایجاد امپراطوری جدید روسیه. جو بایدن رئیس‌جمهور امریکا در ۲۴ فوریه ۲۰۲۲ گفت: «این امر... همیشه

در مورد تجاوز عریان درباره تمایل پوتین به امپراطوری با هر ابزار ممکن بود.» از طرفی دیدگاه مخالف، چنین استدلال می‌کند که نگرانی‌های امنیتی پوتین امری واقعی است و روس‌ها گسترش ناتو به سمت شرق را تهدید علیه کشور خود تلقی می‌کنند. پوتین سال‌ها است این موضوع را به روشنی بیان کرده که این روند گسترش ناتو با مقاومت جدی روس‌ها و حتی با اقدامات نظامی مواجه خواهد شد. این دیدگاه تنها توسط روس‌ها ابراز نشده است؛ بعضی از کارشناسان تأثیرگذار سیاست خارجی امریکا نیز آن را تأیید کرده‌اند. مثلاً «ویلیام جی. برنز» رئیس سازمان سیا در دولت بایدن از سال ۱۹۹۵ در مورد تأثیر تحریک‌آمیز گسترش ناتو بر روسیه هشدار داده بود. این موضوع مربوط به زمانی است که برنز به عنوان مأمور سیاسی در سفارت امریکا در مسکو به واشنگتن گزارش کرد که «خصوصیت نسبت به اوایل گسترش ناتو، تقریباً در تمام طیف نیروهای سیاسی داخلی روسیه احساس می‌شود.»

■ حرکت ناتو به سمت روسیه

سازمان پیمان آتلانتیک شمالی یا ناتو، اتحاد نظامی است که توسط ایالات متحده، کانادا و چند کشور اروپایی در سال ۱۹۴۹ برای مهار اتحاد جماهیر شوروی و جلوگیری از گسترش کمونیسم تشکیل شد. اکنون دیدگاه غرب این است که این اتحاد دیگر اتحادی ضد روسیه نیست، بلکه در عوض نوعی قرارداد امنیت جمعی با هدف محافظت اعضای خود در برابر تجاوزات خارجی و ترویج میانجی‌گری مسالمت‌آمیز در مورد درگیری‌های داخل ائتلاف است.

ناتو با به رسمیت شناختن حاکمیت همه دولت‌ها و حق آنها برای متحد

